

ORIGINAL ARTICLE

The strategies of Prophet Moses in the leadership of the Bani Israel from the language of the Qur'an

Zahra Bidaki^{1*}, Yadullah Dadjoo², Abbas Hajiha³, Sayyed Ali Alamolhada⁴

1.Ph.d. student, Department of Theology and Islamic Studies, PayameNoor University, Tehran, Iran.

2.Associate Professor, Department of Theology and Islamic Studies, PayameNoor University, Tehran, Iran.

3.Assistant Professor of Theology and Islamic Studies, PayameNoor University, Tehran, Iran.

4.Professor of Theology and Islamic Philosophy, Tehran University, Tehran, Iran.

Correspondence:

Zahra Bidaki

Email: Zahra.bidaki@pnu.ac.ir

Received: 04 Jun 2024

Accepted: 23 May 2025

How to cite

Bidaki, Z., Dadjoo, Y., Hajiha, A. & Alamolhada, S.A. (2024). The strategies of Prophet Moses in the leadership of the Bani Israel from the language of the Qur'an. Journal of Qur'anic Interpretation and Language, 13(2), 128-140. (DOI:10.30473/quran.2025.71482.3379)

ABSTRACT

The Holy Qur'an is an eternal miracle and a complete and comprehensive sea of knowledge and teachings of theology, ontology and anthropology for all scholars who demand the necessity of the maximum efforts of researchers in the way of studying and extracting recipes and presenting practical solutions to the scientific community. The method of thematic research in the Holy Qur'an and the examination of the management strategies of the first and foremost prophets in guiding their audiences, imams from the oppressive rulers of the arena of wealth and power, the people and people of their time, is an attractive and practical style and is considered one of the necessities of the present age. This research was conducted with the aim of investigating the strategies of Prophet Moses in the leadership of the Bani Israel from the language of the Qur'an. This research is practical in terms of purpose and it was done using descriptive, analytical method and using library resources. Hazrat Musa, by taking advantage of his individual capacities and adopting appropriate measures and strategies, which includes three educational, training and contextual strategies, has provided the fields of divine education and training for the children of Israel and his other followers. The art of the prophets is that they have actualized their inherent talents and divine gifts. In fact, the administration of the society by the divine leader in the field of legislation is the manifestation of the divine guardianship over humans and the result is that the successes of the society are the result of obeying the divine ruler and its failures are also the result of not obeying him.

KEYWORDS

Children of Israel, Prophet Moses, Strategies, Religious management.



پژوهشنامه تفسیر و زبان قرآن

سال سیزدهم، شماره دوم، پیاپی بیست و چهارم، بهار و تابستان ۱۴۰۳ (۱۴۰-۱۲۸)

DOI: 10.30473/quran.2025.71482.3379

«مقاله پژوهشی»

راهبردهای حضرت موسی در رهبری قوم بنی اسرائیل از زبان قرآن

زهرا بیدکی^{۱*}، یدالله دادجو^۲، عباس حاجیه^۳، سیدعلی علم‌الهدی^۴

چکیده

قرآن کریم، معجزه جاوید، و بحری کامل و جامع از معارف و آموزه‌های خداشناسی، هستی‌شناسی و انسان‌شناسی برای همه عالمیان است که ضرورت تلاش شایسته حداکثری محققان را در راه تحصیل و استخراج دستور العمل‌ها و ارائه راهکارهای عملی آن به جامعه علمی را می‌طلبد. روش تحقیق موضوعی در قرآن کریم و بررسی راهبردهای مدیریتی پیامبران اولوالعزم در هدایت مخاطبان خود، ائمه از حاکمان ستمگر در عرصه زر و زور و تزویر، قوم و مردم زمان خویش، سبکی جذاب و کاربردی است و یکی از ضروریات عصر حاضر به شمار می‌رود. پژوهش حاضر با هدف بررسی راهبردهای حضرت موسی(ع) در رهبری قوم بنی اسرائیل از زبان قرآن انجام شده است. این تحقیق از حیث هدف، کاربردی است و از روش توصیفی، تحلیلی و با بهره‌گیری از منابع کتابخانه‌ای انجام شده است. حضرت موسی(ع)، با بهره‌گیری از ظرفیت‌های فردی و نیز اتخاذ تدابیر و راهبردهای مناسب که مشتمل بر سه راهبرد تعلیمی، تربیتی و زمینه‌ای است، زمینه‌های تعلیم و تربیت الهی را برای بنی اسرائیل و سایر پیروانش فراهم نموده است. هنر انبیا این است که استعدادهای ذاتی و موهبتی الهی خویش را به فعلیت رسانده‌اند. در حقیقت اداره جامعه توسط پیشوای الهی در حوزه تشریع، تجلی ولایت تکوینی الهی بر انسان‌ها است و نتیجه اینکه کامیابی‌های جامعه محصول تبعیت از حاکم الهی و ناکامی‌های آن نیز، حاصل عدم اطاعت از ایشان است.

واژه‌های کلیدی

بنی اسرائیل، حضرت موسی، راهبردها، مدیریت دینی.

۱. دانشجوی دکتری گروه الهیات و معارف اسلامی، دانشگاه پیام نور، تهران، ایران.
۲. دانشیار گروه الهیات و معارف اسلامی، دانشگاه پیام نور، تهران، ایران.
۳. استادیار گروه الهیات و معارف اسلامی، دانشگاه پیام نور، تهران، ایران.
۴. استاد فلسفه و کلام اسلامی، دانشگاه تهران، تهران، ایران.

نویسنده مسئول:

زهرا بیدکی

رایانامه: Zahra.bidaki@pnu.ac.ir

تاریخ دریافت: ۱۴۰۳/۰۳/۱۵

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۴/۰۳/۰۲

استناد به این مقاله:

بیدکی، زهرا؛ دادجو، یدالله؛ حاجیه، عباس و علم‌الهدی، سیدعلی (۱۴۰۳). راهبردهای حضرت موسی در رهبری قوم بنی اسرائیل از زبان قرآن. پژوهشنامه تفسیر و زبان قرآن، ۱۳(۲)، ۱۴۰-۱۲۸.

(DOI: 10.30473/quran.2025.71482.3379)

حق انتشار این مستند، متعلق به نویسندگان آن است. © ۱۴۰۳. ناشر این مقاله، دانشگاه پیام نور است.

این مقاله تحت گواهی زیر منتشر شده و هر نوع استفاده غیرتجاری از آن مشروط بر استناد صحیح به مقاله و با رعایت شرایط مندرج در آدرس زیر مجاز است.

Creative Commons Attribution-NonCommercial 4.0 International license (<https://creativecommons.org/licenses/by-nc/4.0/>)



۱. مقدمه

در عصر بحران معنویت بشر و خستگی و انزجار انسانیت از ظلم ظالمان، تبعیض، بی‌عدالتی و تجربه ناکارآمدی شیوه‌های مدیریتی در جهان، ضرورت بازگشت به سیره تربیتی انبیاء (الگوهای کامل) بیش از پیش احساس می‌گردد تا براساس منابع متقن و سعادت بخش، قادر باشد در مسیر مبارزه با بی‌عدالتی و رسیدن به کمال و رشد همه‌جانبه و کسب شایستگی خلیفه‌اللهی گام بردارد.

الگوطلبی و الگوپذیری امری فطری است و انسان فاقد الگو دچار سرگردانی و حیرانی خواهد بود؛ چرا که نمی‌داند راه کدام است، با کدامین روش، به کدام‌سو و با چه سرعتی باید حرکت کرد و چگونه با موانع در راه برخورد نمود؟ در نتیجه قادر به طی نمودن مسیر کمال نخواهد بود و اگر الگوهای کامل برای او شناخته نشده باشند، قطعاً به الگوها و پیشوایان منفی و کاذب اقتدا می‌کند و در ادامه مسیر خسته شده و در نهایت جز گمراهی و سرگردانی بیشتر طرفی نمی‌بندد. دین مبین اسلام، به عنوان آخرین و کامل‌ترین دین الهی، به صورتی شفاف نمونه‌هایی کامل و قابل تبعیت برای سیر از ملک تا ملکوت برای همه زمان‌ها و مکان‌ها ارائه می‌دهد. معرفی پیامبران به عنوان اسوه حسنه در واقع بیان بزرگترین تفاوت میان مکتب انبیا و غیر آن است؛ زیرا خصوصیت مکتب انبیا عینی، عملی و قابل دستیابی بودن در کلیه شئون فردی، اجتماعی، سیاسی، فرهنگی و... است. دلیل وجوب اقتدا نیز همین است: «و همانا در میان هر امتی پیغمبری فرستادیم تا به خلق ابلاغ کند که خدای یکتا را بپرستید و از طاغوت‌ها دوری کنید. پس بعضی مردم را خدا هدایت کرد و بعضی دیگر در ضلالت و گمراهی ثابت ماندند. اکنون شما عاقلان در روی زمین گردش کنید، تا بنگرید عاقبت، آنان که انبیا را تکذیب کردند، به کجا رسیدند (نحل/۳۶)».

در این نوشتار کوشش می‌شود با رویکرد قرآنی به تحلیل، بررسی و تبیین بخشی از رسالت حضرت موسی (ع)، یعنی راهبردها و روش‌های آن حضرت در مدیریت داخلی خود بر قوم بنی‌اسرائیل، پرداخته شود. مقصود از سیره، نوع و سبک رفتار است. در واقع سیره به اصل رفتار و حالت اطلاق می‌گردد (مرتضی مطهری، ۱۳۷۷: ۴۷) آنچه مهم است شناخت سبک رفتار حضرت موسی (ع) است.

۲. پیشینه پژوهش

درباره این موضوع در زمینه‌های مختلف تاریخی، تفسیری، ادیان و... پژوهش‌هایی انجام شده که در هر رشته‌ای با توجه به اهداف خود به

تشریح آن پرداخته شده است. از جمله کتب موجود در زمینه مورد بحث می‌توان به کتاب تفسیر موضوعی آیت‌الله / جوادی آملی؛ سیره پیامبران (که یکی از فصول آن داستان حضرت موسی (ع) می‌باشد و کتاب درس مبارزه از قیام حضرت موسی (علیه‌السلام) اثر حسین علی یزدانی، رسالت و مبارزات موسی (علیه‌السلام) از دیدگاه قرآن و حدیث اثر سید مهدی امین و کتاب اسوه‌های قرآنی و شیوه‌های تبلیغی آنان اثر مصطفی عباسی مقدم را نام برد.

مروری بر سوابق تحقیق نشان می‌دهد هر کدام در حوزه‌های مختلف، یا تطبیقی میان قرآن و تورات، یا جنبه تربیتی-اخلاقی و یا بعدی از سیره تربیتی حضرت موسی را مد نظر قرار داده‌اند از جمله:

امیری (۱۳۹۹) در تحقیقی با عنوان برنامه راهبردی حضرت موسی (ع) برای مبارزه با فرعون و نجات بنی‌اسرائیل از منظر قرآن که با رویکرد تحلیل مضمون و روش درک قرآن به قرآن انجام گرفته نشان داد که این مدیر نظام دینی با طراحی برنامه راهبردی براساس مفروضات بنیادی گام‌های اساسی استراتژی خود را در تبیین اندیشه کادرسازی تشکیل گروه و مبارزه با رقبا متمرکز نموده و با پیاده‌سازی و ارزیابی راهبردی توانسته است بحران‌ها را پشت سر بگذارد و نظام توحیدی را استقرار بخشد.

نجات‌بخش اصفهانی (۱۳۹۹) با انجام تحقیقی تحت عنوان الگوی مدیریت بحران حضرت موسی (ع) در آیات قرآن کریم، با بهره‌گیری از آیات قرآن کریم به شیوه تحلیل محتوا، دریافت که مدیریت بحران در سیره حضرت موسی (ع) از دیدگاه قرآن از ویژگی‌های خاص برخوردار بوده که به آن، جامعیتی معنادار بخشیده است، در واقع، حضرت موسی (ع) توانست با تکیه و توکل بر ذات اقدس الهی و توانمندی مدیریتی خویش با بهره‌گیری از شانزده اقدام چون هدایت و تربیت، موعظه حسنه، بیدار کردن وجدان، ارائه برهان منطقی، یادآوری الطاف الهی و ... هم گمراهان (گوساله‌پرستان) را از خواب غفلت بیدار نمایند و هم برای جلوگیری از بحران‌های آتی، اقدام به مجازات گمراهان و اخراج سامری کردند، بر همین اساس، از اساسی‌ترین اهداف این پژوهش تجزیه و تحلیل و بررسی مدیریت بحران در سیره حضرت موسی (ع) از منظر قرآن کریم است که در این راستا از الگوی سه مرحله‌ای مدیریت بحران (قبل، حین و بعد از بحران) استفاده شده است.

باقری و کاظمی نجف‌آبادی (۱۳۹۲) نیز با مطالعه تحت عنوان تبیین الگوی رهبری قوم بنی‌اسرائیل به دست حضرت موسی (ع) به بررسی رفتارها و ویژگی‌های قوم بنی‌اسرائیل و متقابلاً نحوه رهبری و شیوه‌های تعامل حضرت موسی (ع) در مواجهه با این قوم پرداخت

من!) همانا معبود شما «الله» است که معبودی جز او نیست (و) علم او همه چیز را فرا گرفته است (طه/۹۸). او حتی فرعون را که نزد هوادارانش در مصر مقام خدایی دارد، به باور توحیدی فرا می‌خواند که در سوره نازعات (۱۸ و ۱۹) به آن اشاره شده است. این اعتقاد موجب می‌شود موسی(ع) در سخت‌ترین شرایط از پروردگارش یاری جوید و امت خود را نیز به مددخواهی از خدا دعوت کند (استعینوا بالله...؛ اعراف/۱۲۸). حضرت موسی(ع)، با شنیدن خبر انحراف قومش به شرک و گوساله‌پرستی، با شتاب و خشمگین به سوی آنها می‌رود و نماد شرک را از بین می‌برد (طه/۸۶ و ۹۷) و قوم خود را به توحید بازمی‌گرداند. همچنین توحید عامل همگرایی جامعه بنی‌اسرائیل به شمار می‌رفت. این باور، توان جامعه را متمرکز می‌کرد و راه رسیدن به هدف متعالی رسالت را هموار می‌نمود (ساغری‌زاده، لطفی، ۱۳۹۹، ص ۵۰).

گفتگو با خداوند. موسی(ع) این شایستگی را در خود پدید آورد که مخاطب خداوند قرار گیرد و با او گفتگو کند: «و چون موسی به میقات و وعده‌گاه ما آمد و پروردگارش با او سخن گفت، (موسی) گفت: پروردگارا! خودت را به من نشان ده تا به تو بنگرم! (خداوند) فرمود: هرگز مرا نخواهی دید، ولی به این کوه بنگر، اگر در جای خود برقرار ماند، پس به زودی مرا خواهی دید. پس چون پروردگار موسی بر کوه تجلی و جلوه نمود (و پرتوی از عظمت خود را بر کوه افکند)، کوه را متلاشی کرد و موسی مدهوش بر زمین افتاد! پس چون به هوش آمد گفت: (خداوند!) تو منزهی (که دیده شوی)، من به سوی تو بازگشتم و من نخستین مؤمن هستم. [خداوند] فرمود: «ای موسی! من تو را با رسالت‌های خویش، و با سخن گفتنم [با تو]، بر مردم برتری دادم و برگزیدم؛ پس آنچه را به تو داده‌ام بگیر؛ و از شکرگزاران باش (اعراف/۱۴۳ و ۱۴۴)». براساس روایات رسیده از ائمه اطهار علیهم‌السلام، موسی(ع) در زمان ستایش خدای متعال، دارای خضوع و خشوعی بود که هیچ انسانی به قدر او مورد رضایت خداوند قرار نگرفت. چنان‌که از امام محمدباقر (علیه‌السلام) نقل شده که فرمودند: «خدای متعال به حضرت موسی علیه‌السلام وحی کرد که: آیا می‌دانی به چه علتی تو را برای تکلم و سخن گفتن برگزیدم، نه مخلوقات دیگر را؟ آن حضرت گفت: نه ای پروردگارم. خداوند فرمود: به این دلیل که بندگانم را آزمودم، در بین ایشان احدی را در مقابل خود از تو خاضع‌تر نیافتم، چراکه هرگاه نماز می‌خوانی گونه‌های خود را بر خاک می‌نهی و اظهار خضوع و خشوع می‌نمایی. (شیخ صدوق، ج ۱ (۱۳۹۱): ۲۰۹)

که با بررسی آیات متعددی از قرآن کریم، علاوه بر شناخت رفتارها و ویژگی‌های این قوم، الگوی رهبری حضرت موسی(ع) را بر مبنای چهار اصل «تعامل مستقیم با قوم»، «تذکر مستمر»، «دعوت به وحدت کلمه» و «صبر» شناخته و عرضه کرده است.

هاشم‌نژاد و همکاران (۱۴۰۱) در تحقیقی با عنوان شیوه موسی(ع) در مدیریت روانی ناسازگاری‌های بنی‌اسرائیل و فرعون براساس دفاع روانی با استفاده از «روش کیفی تحلیل متون» در مباحث مربوط به مکانیزم‌های دفاع روانی، استخراج، مقوله‌بندی و تحلیل شده است. همچنین، برای اصطیاد شیوه‌های مدیریت روانی در مواجهه با رفتارهای ناسالم، از «روش‌های متعارف در علوم اسلامی» و با رعایت «ضوابط و قواعد تفسیر» در فهم قرآن کریم استفاده شده است. از نتایج این مطالعه، تبیین دو سازوکار «دلیل‌تراشی و فرافکنی» در بنی‌اسرائیل، سه سازوکار «فرافکنی، بی‌ارزش‌سازی و همه‌کارتوانی» در فرعون و هفت روش مدیریت توسط موسی(ع) است. راهکار «اطمینان‌بخشی» بین روان‌شناسی و آموزه‌های قرآنی مشترک و شش روش جدید شامل «مدارا برای حساسیت‌زدایی، آگاه‌سازی، داستان‌سازی، شرکت دادن توجیه‌گران در کار، محرومیت از امتیازات و تغییر محیط به دست آمده است.. لذا نوآوری پژوهش حاضر آن است که راهبردهای حضرت موسی(ع) را در رهبری قوم بنی‌اسرائیل از زبان قرآن با بهره بردن و به فعلیت رساندن ظرفیت‌های فردی، ذاتی و موهبتی خویش، و به کارگیری برخی از راهبردهای مناسب و کاربردی در سه حوزه "تعلیمی"، "تربیتی" و "زمینه‌ای"، زمینه‌های تعلیم و تربیت الهی را برای بنی‌اسرائیل و سایر پیروانش فراهم نموده است.

ظرفیت‌ها و ویژگی‌های فردی موسی(ع)

باور توحیدی. در میان آموزه‌های ادیان، مهم‌ترین آن توحید و یگانه دانستن خداوند است. در قرآن کریم نیز سراسر سخن از توحید است و تأکید بر یکتایی خدا و نفی صریح و قاطع هرگونه شرک، اصلی‌ترین پیام آن شناخته می‌شود (ابن قیم جوزیه، ۱۴۰۶ه: ۲۵۹-۲۶۰). حضرت موسی(ع) از موحدان الهی و از هرگونه شرکی مبرا بود. چنان‌که پروردگار به هنگام اعلام برگزیدن موسی(ع) به نبوت، توحید را به وی یادآور می‌شود: «و من تو را (به پیامبری) برگزیده‌ام، پس به آنچه وحی می‌شود گوش فرا ده. همانا منم الله، جز من خدایی نیست، پس مرا بندگی کن و نماز را به پا دار تا به یاد من باشی (طه/۱۳-۱۴)». حضرت موسی با قول و عمل دعوت‌کننده بنی‌اسرائیل به خدای یکتا است: «ای قوم

اخلاص. موسای کلیم از مظاهر اسماء حسناء خدای سبحان است. او هم مظهر جمال خداوند و هم مظهر جلال اوست. هم می‌تواند سخن خدا را از درخت بشنود (قصص/۳۰ و ۳۱) و هم می‌تواند مظهر او باشد (قصص/۴۰). در همه این مظاهر خدای سبحان او را عبد مخلص معرفی کرده است: «و در این کتاب از موسی یاد کن، زیرا او بنده (برگزیده و) خالص شده (خدا) و فرستاده‌ای پیامبر بود (مریم/۵۱)». این بیان نشانه نزاهت او از هر نقص و عیبی است که امکان دارد در دیگران باشد (جوادی آملی، ۱۳۸۳: ۱۷۸-۱۷۹). اخلاص و توجه محض به رضایت الهی در عرصه‌های مختلف حیات موسی (ع) جلوه‌گر است: «و (به موسی گفتیم): ای موسی! چه چیز سبب تعجیل (و پیشی گرفتن) تو از قوم شد؟! (چرا زودتر به وعده‌گاه آمدی؟ (موسی) گفت: آنها (قوم من) به دنبال من هستند و پروردگارا! برای خشنودی تو به سوی تو شتاب کردم (طه/۸۴ و ۸۳)». قشیری ذیل این آیات، مراد خداوند را چنین تبیین می‌کند: «ای موسی رضای من در آن است که با آنها باشی و از آنها جلو نیفتی. (قشیری، ۲۰۰۰، ج ۲: ۴۷۰)». روزبهان بقلی علت عجله موسی (ع) را به تنگ آمدن سینه وی از معاشرت با خلق و هدف از آن را رضای الهی دانسته است (بقلی شیرازی، ۲۰۰۸، ج ۲: ۴۹۹).

توکل. موسی (ع) از توکل‌کنندگان صدیقی است که نمونه‌هایی از توکلش بر خداوند در قرآن ذکر گردیده است. توکل او در مبارزه با فرعونیان از آن جمله است: «پس زمانی که دو گروه (بنی‌اسرائیل و فرعونیان) همدیگر را دیدند، یاران موسی گفتند: (ما به دام افتادیم و) آنان به ما دست خواهند یافت. موسی به آنان گفت: چنین نیست، قطعاً پروردگارم با من است و مرا هدایت خواهد کرد (شعراء/۶۱-۶۲)». حضرت موسی (ع) برای اینکه ایمان‌آوردگان به خداوند را از ترس برهاند و آرامش بدهد، فرمود: «ای قوم من! اگر به خداوند ایمان آورده‌اید و تسلیم او هستید، پس فقط بر او توکل کنید (یونس/۸۴)». در ملاقات با حضرت شعیب و قراردادی که میان آنها بسته شد موسی پیشنهاد شعیب را پذیرفت و فرمود: «این (قرارداد) بین من و تو (برقرار شد، البته) هرکدام از دو مدّت را که به انجام رساندم، پس ستمی بر من نخواهد بود و خداوند بر آنچه ما می‌گوییم (گواه و) وکیل است (قصص/۲۸)».

قوای جسمانی. «چون موسی نیرومند شد و کامل گردید به او حکمت و دانش عطا کردیم و ما این‌گونه نیکوکاران را پاداش می‌دهیم (قصص/۱۴)». در این آیه شریفه: "و لَمَّا بَلَغَ أَشُدَّهُ"، «اُشُدُّ» از «شدّت» به معنی نیرومند شدن و «اِستوی» از «اِستواء» به معنای

کمال خلقت و اعتدال آن است. لذا اولین شرط پذیرش مسئولیت، بلوغ جسمانی است (قراّتی، ۱۳۸۷، ج ۹: ۲۸-۲۷). آیه ۱۵ سوره قصص نیز مؤید یاری خواستن ضعیفان بنی‌اسرائیل از یاری‌کننده‌ای قوی است؛ زمانی که موسی (ع) از قصر فرعون، که خارج از شهر قرار داشت، خارج شده و به شهر وارد می‌شود و دو مرد، که یکی از طرفدارانش و دیگری از دشمنانش بود، در حال نزاع می‌بیند. آنکه از پیروانش بود، و توان کافی برای دفاع نداشت، هنگامی که چشمش به موسی (ع) می‌افتد، چون او را قوی و نیرومند می‌داند از او یاری می‌خواهد. در ماجرای ورود موسی (ع) به مدین و یاری رساندن به دختران شعیب نیز همین ویژگی مورد تأکید قرار گرفته است (قصص/۲۶). قوای جسمانی موسی (ع) با کشیدن آب از چاه برای دختران شعیب آشکار شد (قصص/۲۴).

امین بودن. موسی (ع) در مواجهه با فرعون و قومش خود را فردی امین معرفی می‌کند: «موسی به فرعون گفت: این بندگان خدا را به من واگذارید (تا آزادشان کرده و از استعمار نجاتشان دهم). همانا من برای شما پیامبری امین هستم (دخان/۱۸)». ادعای امانت‌داری از جانب او، که کاملاً در میان قوم فرعون و بنی‌اسرائیل شناخته شده و امری تصدیق شده است و نیازی به آزمودن ندارد. امین بودن صرفاً یک صفت باطنی نیست و در رفتار موسی (ع) ظهور دارد؛ نحوه مواجهه او با دختران شعیب، جلوه‌ای از امین بودن او است. در روایات آمده است هنگامی که موسی (ع) همراه دختر شعیب به سوی منزل او حرکت کرد، به او فرمود: «راه را به من نشان بده، خودت از پشت سرم بیا، برای اینکه ما دودمان یعقوب به پشت سر زنان نگاه نمی‌کنیم» (المیزان، ج ۳۱: ۴۵). دختر شعیب نیز امانت‌داری موسی (ع) را از رفتار او تشخیص می‌دهد: «یکی از آن دو (دختر، خطاب به پدر) گفت: ای پدر! او را استخدام کن، زیرا بهترین کسی که (می‌توانی) استخدام کنی، شخص توانا و امین است (قصص/۲۶) امانت‌داری (تعهد) در کنار توانایی (تخصّص)، دو عنصر لازم برای استخدام دیگران است (قراّتی، ۱۳۸۷، ج ۹: ۴۰).

مسئولیت‌پذیری. در قرآن کریم آیات متعددی درباره مسئولیت‌پذیری حضرت موسی (ع) نسبت به مخاطبانش آمده است. این راهبرد در مصادیقی همچون: برعهده گرفتن امر رسالت (اعراف/۱۰۴ و ۱۰۵، غافر/۲۳-۲۵)، تبلیغ آموزه‌های الهی (نساء/۱۶۴ و ۱۶۵)، اقامه دین (شوری/۱۳)، انذار (نساء/۱۶۳-۱۶۵)، بشارت به مردم (نساء/۱۶۴-۱۶۵)، پرهیز از تفرقه (شوری/۱۳)، دوری گزیدن از جاهلان (یونس/۸۷ و ۸۹)، کمک به مظلومان بنی‌اسرائیل (قصص/۱۵)، تعلیم روش مسکن‌سازی به بنی‌اسرائیل (یونس/۸۷)،

موسی(ع) را در ارتباط با قوم بنی‌اسرائیل را بیان می‌فرمود استخراج و تبیین گردید و سعی شد ظرفیت‌های فردی و نیز اتخاذ تدابیر و راهبردهای مناسب که مشتمل بر سه راهبرد تعلیمی، تربیتی و زمینه‌ای است بیان گردد.

۴. یافته‌ها

در این بخش پس از بیان و شرح و پرداختن به مفاهیم کلیدی، نقش راهبردهای هدایتی حضرت موسی(ع) در هدایت قوم بنی‌اسرائیل مورد بحث و بررسی قرار می‌گیرد. تدابیر و راهبردهایی که موسی(ع) در اداره جامعه ایمانی اتخاذ نموده از وجوه و زوایای متعددی قابل بررسی است که در این پژوهش صرفاً به سه دسته تعلیمی، تربیتی و زمینه‌ای پرداخته شده است:

۴-۱-۱-۴ تعلیمی

تعلیم یکی از ارکان اصلی هدایت انسان‌ها توسط انبیای الهی است (جمعه/۲). علم و علم آموزی در متون مقدس ادیان توحیدی همواره در صدر توصیه‌های الهی قرار داشته و پیش‌نیاز هرگونه تحول و اقدام ارزشمند در حیطه حیات بشری است. موسی(ع) نیز همچون سایر انبیاء الهی به این امر ضروری اهتمام ویژه داشته است. راهبردهای تعلیمی ایشان را می‌توان در چهار عنوان زیر دسته‌بندی نمود:

۴-۱-۱-۴ آموزش معارف الهی

حضرت موسی(ع) از انبیاء اولوالعزم و از برترین مربیان بشر است که غایت اصلی آنها آموزش معارف الهی به قصد پرورش و تربیت الهی انسان‌ها و هدایتشان به سوی حق تعالی است. با توجه به آیات قرآن کریم در مورد سیره تربیتی حضرت موسی، می‌توان دریافت که ایشان از روش‌های متنوعی در امر تربیت بهره گرفته که تعلیم معارف الهی از مهمترین این روش‌ها است. خداوند در سوره اعراف آیه ۱۴۵ می‌فرماید: «در تورات از هر چیزی موعظه و تفصیل آن را ارائه کرده‌ایم» و از موسی می‌خواهد تا قومش را وادار کند که بهترین را فرا گیرند و به کار بندند؛ (اعراف/۱۴۵). خداوند به منظور انجام وظایف تعلیمی موسی(ع) به او کتاب آسمانی داد و آن را مایه هدایت صاحبان خرد دانست (غافر/۵۳ و ۵۴).

۴-۱-۲-۴ صراحت در اعلام عقاید

حضرت موسی(ع) از اولین مؤمنان به خداوند (اعراف/۱۴۳) و ربوبیت او (طه/۵۲، ۵۱، ۲۵، ۱۹) بود و به قیامت ایمان و اعتقاد کامل داشت

عبادت (طه/۱۱ و ۱۴)، إقامة نماز، عمل به تورات و ارائه معجزات (اعراف/۱۶ و ۱۷؛ قصص/۳۰ و ۳۱) به وضوح قابل مشاهده است.

دعا و انابه. موسی(ع) همچون همه اولیای مقرب الهی اهل دعا، توجه و انابه بود. او ارتباط با خداوند را در تمام عرصه‌های فردی و اجتماعی سرلوحه زندگی خویش قرار داده بود: «موسی گفت: پروردگارا! (اکنون که مرا به این کار بزرگ مأمور فرمودی) سینه‌ام را برابم گشاده گردان (ظرفیتم را برای تحمل مشکلات، بیشتر کن)، مأموریتم را برایم آسان ساز، زبانم را روان کن، تا حرفم را خوب بفهمند. یکی از خویشانم را دستیارم کن؛ همین هارون، برادرم را. پشتم را به او گرم کن و در مأموریتم سهیمش کن تا تو را به صورت علنی به پاکی یاد کنیم، ذکر و یادت را گسترش دهیم، تو خودت خوب می‌دانی که تا بوده‌ایم، یادت می‌کرده‌ایم (طه/۲۵-۳۵)». و هنگامی که غریبانه به شهر مدین وارد شد، فرمود: «پروردگارا! به هر خیری که برای من بفرستی نیازمندم» (قصص/۲۴).

اراده و پشتکار قوی. موسی(ع) در تمام دوران عمر با آزمون‌ها و دشواری‌های مختلفی مواجه بود؛ دوران کودکی تا جوانی را با تقیه در دربار فرعون گذراند. ده سال دور از زادگاه خود در مدین ماند و با آغاز رسالت دشوار خویش، دوران چهل‌ساله مبارزه با فرعون به سوی توحید را سپری کرد و سپس در سومین دوره چهل‌ساله عمر خویش با ایمان‌های ضعیف و برخورد‌های منافقانه اطرافیان و قوم بنی‌اسرائیل مواجه می‌شود. «فَتَنَّاكَ فُتُونًا» برای تو خیلی آزمایش‌های مختلف پیش آوردیم و به اینجا رساندیم. تلاش موسی برای ملاقات خضر و تحصیل علم نیز قابل ذکر است (کهف/۶۰). موسی به جوان همراه خود می‌گوید «لَا أَبْرَحُ»؛ یعنی تا رسیدن به عالم، دست از جستجو برنمی‌دارم. تعبیر «أَمْضِيَ حَقْبًا» هم به معنای سال‌های طولانی، یعنی ۷۰ الی ۸۰ سال، است. بنابر این حضرت موسی(ع) در طول زندگی خود تلاش‌های طاقت‌فرسایی را در مبارزه با ظلم و هدایت مردم انجام داد.

۳. روش پژوهش

تحقیق حاضر از نظر هدف، کاربردی و از نظر ماهیت و روش، توصیفی-تحلیلی است. ابزار گردآوری مطالب فیش‌برداری بوده و روش گردآوری مطالب کتابخانه‌ای است. با این توضیح که ابتدا تمامی آیات مرتبط با حضرت موسی(ع) و قوم بنی‌اسرائیل از قرآن کریم جمع‌آوری شده و از میان آیات مزبور، آیات شاخص درباره موضوع به صورت گزینشی انتخاب شدند. در ابتدا آیات مزبور بررسی گردید و برخی از آیاتی که راهبردهای هدایتی حضرت

۴-۲- تربیتی

۴-۲-۱- دعوت به تقوا

تقوا از لوازم اصلی رشد اخلاقی و معنوی انسان و مورد تأکید انبیای الهی است. موسی (ع) نیز پیروانش را به رعایت این شرط مهم رستگاری دعوت می‌کند: «موسی به قوم خود گفت: از خداوند یاری بجوئید و صبر و مقاومت کنید، زیرا زمین از آن خداوند است که آن را به هریک از بندگانیش که بخواهد به ارث می‌گذارد و فرجام (نیک) از آن پرهیزکاران است (اعراف/۱۲۸)».

۴-۲-۲- توصیه به توکل

توصیه به توکل و ساختن انسان‌هایی که در هر شرایطی به خداوند توکل دارند، از مهمترین اهداف رسالت انبیای عظام و از نتایج باور توحیدی ایشان بوده است. توکل یکی از مولفه‌های هویت دینی فرد است که مهمترین کارکرد آن آرامش‌بخشی در شدائد با یادآوری داشتن پناهی قدرتمند است. در آیه ۸۳ سوره یونس آمده است که: «(در آغاز) جز گروهی اندک از فرزندان قوم موسی به او ایمان نیاوردند، در حالی که از فرعون و اشرافیان آنان ترس داشتند، ترس اینکه آنان را شکنجه کنند، زیرا که فرعون در آن سرزمین برتری‌جوی و از اسرافکاران بود». موسی (ع) بهترین راهکار تأمین امنیت روانی و فکری و از بین بردن ترس و اضطراب را توکل بر خدا اعلام می‌نماید: «و موسی گفت: ای قوم من! اگر به خداوند ایمان آورده‌اید و تسلیم او هستید، پس فقط بر او توکل کنید. پس آنان گفتند: تنها بر خداوند توکل کرده‌ایم، پروردگارا! ما را گرفتار سختی‌ها و آزمایش ستمگران قرار مده» (یونس/۸۵ و ۸۶).

کاربرد توکل در این ماجرا در مقابل ترس و اضطرابی است که بنی اسرائیل در مقابل دیدن ساکنان آن سرزمین از خود بروز دادند (غروی/۱۳۹۹: ۱۸۵). و یا «هنگامی که دو گروه یکدیگر را دیدند، یاران موسی گفتند: ما (در چنگال فرعونیان) گرفتار شدیم. (موسی) گفت: چنین نیست! به یقین پروردگارم با من است» (شعراء/ ۶۲ و ۶۱). او نگران نبود، چون یقین داشت که لازم است دشمن آنها را تعقیب کند تا به سرنوشتی که در انتظار آنهاست گرفتار آیند (مکارم شیرازی، ۱۳۷۴، ج ۱۵: ۲۴۳).

۴-۲-۳- اقامه نماز

امام صادق علیه‌السلام فرمودند: حضرت موسی علیه‌السلام هر زمانی که نماز به جا می‌آورد، از آن منصرف نمی‌شد، مگر آنکه گونه راست و چپ خود را بر روی خاک می‌گذاشت و در مقابل

(طه/ ۹، ۱۵، ۱۴). چراکه ایمان به قیامت از سفارش‌های خداوند به آن حضرت بود که سبب سلام خداوند بر او و رسیدن به پاداش و مقام نیکوکاران گشت (صافات/ ۱۲۰، ۱۲۲)؛ بر این اساس، حضرت موسی (ع) در مأموریت و رسالت خویش، "در آغاز مناظرات و مواجهه خود با فرعون، اشراف، درباریان و توده مردم، رسالت و نبوت (و عقاید توحیدی) خویش را با صراحت و قاطعیت معرفی می‌کند. (عباسی مقدم/۱۳۸۶: ۲۰۸)

۴-۱-۳- دعا

براساس آیات قرآن کریم موسی (ع) پیوسته در حالات و موضوعات مختلف دست به دعا برمی‌داشت. این خصوصیت علاوه بر رویکرد توحیدی او جنبه تعلیمی نیز داشت. موسی (ع) همواره در دعا‌های خود ادب الهی را رعایت می‌نمود؛ دعا‌های او با محوریت درخواست هدایت الهی (اعراف/ ۱۵۵ و ۱۵۶)، غفران الهی (اعراف/ ۱۵۵)، ولایت الهی (اعراف/ ۱۵۵) و رحمت الهی (اعراف/ ۱۵۵، ۱۵۱) بوده است. این دعاها در مواضع متعددی مانند ابلاغ رسالت (طه/ ۱۱، ۲۵-۳۶، ۳۵-۳۳، نجات از ظلم (قصص/ ۲۱، ۲۰)، جدایی از فاسقان (مائده/ ۲۴، ۲۲، ۲۱)، آسان شدن امور (طه/ ۲۶، ۱۷) و... صادر شده است که نقش دعا در همه عرصه‌های زندگی فردی و اجتماعی را نشان می‌دهد.

۴-۱-۴- تبیین معارف توحیدی

و بنی اسرائیل را از دریا گذراندیم، تا به قومی برخوردند که بر پرستش بت‌های خویش پایبند بودند، (با دیدن این صحنه) گفتند: ای موسی! برای ما خدایی قرار بده، همان‌گونه که برای اینان معبودها (و بت‌هایی) است. موسی گفت: براستی، شما گروهی نادان (و جهالت پیشه) هستید. (موسی گفت: همانا آنچه این قوم در آند (از کفر و شرک)، نابودشدنی است و آنچه انجام می‌دهند باطل است. گفت: آیا معبودی غیر خدا برای شما بجویم، در حالی که او شما را بر مردم این زمانه برتری داده است؟ (اعراف/ ۱۴۰-۱۳۸) و موسی (به بنی اسرائیل) گفت: اگر شما و ساکنان زمین همگی کفر ورزید (به خداوند زیانی نمی‌رسد)؛ چرا که خداوند (ذاتاً) بی‌نیاز و شایسته‌ی ستایش است (نه آنکه از طریق ایمان و شکر شما بخواهد برای خود بی‌نیازی و ستایش کسب کند) (ابراهیم/ ۸).

وجهی عذاب می‌کردند و پسرانتان را سر می‌بریدند و زنانان را (برای خدمتکاری) زنده می‌گذاشتند، و در این، آزمایش بزرگی از طرف پروردگارتان بود. (همچنین) بخاطر بیاورید هنگامی را که پروردگارتان اعلام داشت که اگر شکرگزاری کنید (نعمت خود را) بر شما خواهیم افزود و اگر کفران کنید مجازاتم شدید است! (ابراهیم/۵ و ۶ و ۷). خداوند به بندگان متذکر می‌شود که نعمت‌های الهی را ذکر نمایند (بقره/۴۸-۶۴)، اما افراد ستمکار نه تنها متنبه و متذکر نشده‌اند، بلکه آنچه را که به آنها گفته شده بود به صورت استهزاء تغییر داده، تحریف نموده و فراموش کردند و مستحق عذاب الهی شدند. (بقره/۵۷ و ۵۸).

۴-۲-۵- امیدآفرینی

رهبران الهی همواره برای مبارزه با استکبار و حفظ روحیه استقامت، پیروان را با بیان وعده الهی نصرت الهی و پیروزی حق بر باطل، امیدوار، و انگیزه تلاش برای آینده‌ای بهتر را ایجاد می‌نمودند. موسی(ع) نیز، آنها (پیروانش) را در برابر تهدیدها و فشارها به رحمت خدا امیدوار می‌کرد. (وفادار، خالق (۱۳۹۵): ۱۶۰). برای نمونه، موسی(ع) در مواجهه با آزار فرعونیان به قوم خود گفت: «از خدا یاری بجوید و استقامت پیشه کنید که زمین از آن خدا است و آن را به هر کس از بندگان که بخواهد واگذار می‌کند. (قوم موسی) گفتند: هم پیش از آنکه نزد ما بیایی آزار می‌شدیم و هم پس از آنکه آمدی (پس چه باید کرد؟)! موسی گفت: امید است پروردگارتان دشمن شما را نابود کند و شما را در این سرزمین، جانشین آنان سازد تا ببیند شما چگونه عمل می‌کنید (اعراف/ ۱۲۸ و ۱۲۹).

۴-۲-۶- پرورش روحیه صبر

موسی(ع) خود مجهز به صفات صبر و استقامت و توکل بر خداوند بود و پیروان خویش را نیز به صبر و استقامت دعوت می‌نمود. و در مقابل خطرات، کفران نعمت‌ها، اذیت و آزارهای قوم صبر نموده و از خداوند استعانت می‌جست (صف/۵). کاهنان و ستاره‌شناسان دربار فرعون خبر داده بودند که منجی ای از قوم بنی‌اسرائیل ظهور خواهد کرد. و اکنون آن منجی (حضرت موسی) در بین قوم بنی‌اسرائیل بود. و آنها انتظار داشتند با وجود موسی(ع) به یکباره دستگاه فرعون کن فیکون شود ولی این‌طور نشد. لذا به موسی(ع) اعتراض نموده و گفتند: پیش از آن‌که به سوی ما بیایی آزار دیدیم، (هم اکنون) پس از آمدن نیز آزار می‌بینیم. (اعراف/ ۱۲۹) این (اعتراض) آن حالت بی‌صبری بنی‌اسرائیلی

پروردگار، خود را متواضع و ذلیل می‌نمود. (ابن بابویه(۱۳۸۰): ۱۹۶). «و به تحقیق خداوند از بنی‌اسرائیل پیمان گرفت و از میان آنان دوازده سرپرست (برای دوازده طایفه) برانگیختیم، و خداوند (به آنان) فرمود: من با شمایم؛ اگر نماز به پا دارید و زکات بپردازید و به پیامبران ایمان آورده و یاری‌شان کنید و به خداوند وامی نیکو دهید، قطعاً گناهانتان را می‌پوشانم و شما را به باغ‌هایی وارد می‌کنم که نه‌رها زیر (درختان) آن جاری است. پس از این، هر کس از شما کافر شود، به راستی از راه راست منحرف گشته است» (مائده/۱۲). «و به موسی و برادرش وحی کردیم که در مصر، برای قوم خودتان خانه‌هایی آماده کنید و خانه‌هایتان را مقابل هم (یا رو به قبله) بسازید و نماز به پا دارید و به مؤمنان بشارت بده (که سرانجام پیروزی با آنهاست)» (یونس/۸۷).

۴-۲-۴- یادآوری نعمت‌های الهی

یادآوری نعمت‌های الهی از وظایف انبیای الهی بوده است که در ضمن گفتگوها و بحث‌های خود با مشرکان و کافران دائماً مردم را به یادآوری نعمت‌های بی‌شمار خداوند، تذکر می‌دادند: «ای مردم! نعمت‌هایی را که خداوند به شما عطا کرده یاد کنید، آیا جز خداوند، آفریدگاری است که از آسمان و زمین به شما روزی دهد؟ جز او معبودی نیست، پس چگونه به سوی باطل بازگردانده می‌شوید» (فاطر/۳)؟! موسی (ع) نیز، به تصریح آیات قرآن این وظیفه را کراراً انجام داده است: «ای کسانی که ایمان آورده‌اید! نعمتی را که خدا به شما بخشیده به یاد آورید، آن زمان که جمعی (از دشمنان) قصد داشتند دست به سوی شما دراز کنند (و شما را از میان بردارند)، اما خدا دست آنها را از شما باز داشت، از خدا بپرهیزید، و مؤمنان باید تنها بر خدا توکل (و تکیه) کنند (مائده/۱۱). «و [یاد کن] هنگامی را که شما را از فرعونیان نجات دادیم که شما را سخت شکنجه می‌کردند؛ پسرانتان را می‌کشتند و زنانان را زنده باقی می‌گذاشتند و در این برای شما آزمایش بزرگی از جانب پروردگارتان بود» (اعراف/۱۴۱). و یا هنگامی که حضرت موسی برای خارج نمودن قوم بنی‌اسرائیل از تاریکی‌های جهل، خودپرستی، ظلم و... به سوی نور، مجاهده می‌فرماید: «ما موسی را با آیات خود فرستادیم (و دستور دادیم) قوم خود را از ظلمات به نور بیرون آر، و ایام‌الله را به آنها متذکر شو، در این، نشانه‌هایی است برای هر صبر کننده شکرگزار. و به خاطر بیاور هنگامی را که موسی به قومش گفت نعمت خدا را بر خود به یاد داشته باشید، زمانی که شما را از (چنگال) آل فرعون رهایی بخشید، همان‌ها که شما را به بدترین

است؛ حضرت موسی گفت: "استعینوا بالله و اصابوا، از خدا یاری بجوید و صبر کنید، که زمین از آن خداست و به هرکس از بندگان که بخواهد واگذار می‌کند و سرانجام نیک از آن پرهیزکاران است." (اعراف/۱۲۸).

۴-۲-۷- اعتماد به نفس و خودباوری

حیات انسانی اقتضا می‌کند که براساس اصول مبارزه، با روحیه خودباوری و اعتماد به نفس (آل عمران/ ۱۳۹)، به کارزار با طاغوت و طاغوتیان پرداخته (نساء/ ۷۶) و در این راه شکیبایی و استقامت ورزد (انفال/ ۶۵-۶۶) تا بساط مستکبرین و تفکر استکباری و فرعون‌ی نابود گردد. چنانکه خداوند در قرآن کریم به موسی (ع) می‌فرماید: گفتیم: "تترس، به یقین تو (پیروز و) برتری. (طه/ ۶۸). بنابراین، مؤمنین با روحیه خود باوری که منجر به استقامت می‌شود پیروز می‌گردند. " و وعده نیک پروردگارت بر بنی اسرائیل، بخاطر صبر و استقامتی که به خرج دادند، تحقق یافت. " (اعراف/ ۱۳۷).

۴-۲-۸- امر به معروف و نهی از منکر

همان‌گونه که از کلمات امر به معروف و نهی از منکر پیداست، با فراهم شدن زمینه‌ی امر به معروف و نهی از منکر، باید به روش آمرانه و دستوری، مردم را وادار به انجام دادن کار خیر، و بدکاران را از زشتکاری منع کرد، یعنی واجبی الهی است که ترک آن عقاب دارد، برای همین پیامبران، نخستین وظیفه خود را امر به معروف می‌دانستند (دشتی (۱۳۹۰): ۱۱۲). در قرآن کریم آیاتی درباره اوامر و نواهی حضرت موسی (ع) در رابطه با مخاطبانش، اعم از مؤمنین، قوم بنی اسرائیل و فرعونیان، در موقعیت‌ها و مناسبت‌های مختلف بیان شده است (که برخی از آنها در نوشتار حاضر بیان شده است). اوامر و نواهی خداوند، تحت عنوان «میثاق بنی اسرائیل با خداوند» در سوره بقره آمده است: «و (بیاد آرید) زمانی که از بنی اسرائیل پیمان گرفتیم، جز خداوند یگانه را پرستش نکنید و به پدر و مادر و خویشان و یتیمان و بینوایان، احسان کنید و با مردم، به زبان خوش سخن بگویید و نماز را برپای دارید و زکات بدهید. اما شما (با اینکه پیمان بسته بودید)، جز عده‌ی کمی، سرپیچی کردید و رویگردان شدید. و (بیاد آرید) هنگامی که از شما پیمان گرفتیم، خون‌های یکدیگر را نریزید و همدیگر را از سرزمین خود بیرون نکنید، پس شما (به این پیمان) اقرار کردید و خود بر آن گواه هستید. (بقره/ آیه ۸۳ و ۸۴). در الواح (تورات) برای موسی، در هر موردی پندی و برای هر چیز تفصیلی نوشتیم. (ای موسی!) آنها را با قوت بگیر و به قوم خود فرمان بده که بهترین آنها (مثلاً از میان عفو و قصاص، عفو) را بگیرند. به زودی جایگاه فاسقان را به شما

نشان می‌دهم» (اعراف/ ۱۴۵). بنی اسرائیل سه گروه بودند: یک دسته قانون‌شکن، عده‌ای دیگر دلسوزان نصیحت‌گر، و گروه سوم، گروهی بی‌تفاوت. بی‌تفاوت‌ها به نصیحت‌گران می‌گفتند: خود را خسته نکنید، چون حرف‌هایتان در فاسقان اثر ندارد و آنها به هر حال جهنمی هستند؛ ولی ناهیان از منکر می‌گفتند: کار ما بی‌اثر نیست، حداقل آنکه ما نزد خدا معذوریم و چه بسا به واسطه سخن ما تقوا پیشه کنند (اعراف/ ۱۶۴) در آیه ۵ و ۶ سوره مرسلات، خداوند به کسانی که ذکرش را به دیگران، چه برای اتمام حجت و چه برای تأثیر و هشدار القاء می‌کنند، سوگند یاد می‌کند. (فالملیقات ذکرًا أو نذرًا) ... تا سکوت و ترس و بی‌تفاوتی در مقابل ترک معروف و عمل به منکر از بین برود. (قرآنی، ۱۳۸۷، ۲۰۷-۲۰۸). پس امر به معروف و نهی از منکر واجب و تأثیرگذار می‌باشد.

ده فایده امر به معروف و نهی از منکر: سیره انبیاست، اثر در تاریخ فطرت و قضاوت دیگران، حفظ فضا برای دیگران، حفظ شدن آزادی، مقام آفرین برای گوینده، اثرگذاری در گوینده، آرام نمودن وجدان در اثر انجام وظیفه، اتمام حجت برای خلافتکار، نجات آمرین در هنگام قهر الهی. (همان: ۲۰۹).

۴-۳- زمینه‌ای (عوامل زمینه‌ساز برای تربیت دینی)

۴-۳-۱- ارائه معجزات

هر نظام حاکمیتی نه تنها برای شکل‌گیری باید ضرورت و حقانیت تشکیل حکومت خود را اثبات نماید، بلکه بر ادامه حیات و تداوم این حاکمیت نیز به مشروعیت نیاز دارد. موسی (ع) در مواجهه با فرعون، ابتدا با بیان عقاید توحیدی، سستی و بطلان عقیده فرعون را آشکار ساخت و سپس در عمل و رفتار بر حقانیت عقاید خویش صحه نهاد و در نتیجه سست بودن افکار و عقاید حاکمیت بیش از پیش آشکار شد. مهمترین عمل موسی (ع) در روشن کردن حقایق، ارائه معجزات بود. معجزاتی که قرآن از موسی (ع) نقل می‌کند بیش از نه تا است؛ او با معجزه عصا سحر ساحران، که به عنوان بخشی از نیروهای کاردان در دستگاه فرعون به شمار می‌رفتند، را برملا نمود و بی‌اساس بودن افکار و اعمال آنها آشکار کرد (اعراف/ ۱۱۱-۱۱۲). معجزات نه‌گانه نیز باعث گشت که جامعه اعتقاد خود را به ربّ بودن فرعون و قدرت بلامنازع او تا حد زیادی از دست بدهد (اعراف/ ۱۳۲).

۴-۳-۲- مایوس کردن مردم از حکومت فرعون

آنگاه که فرعون با وجود منطبق قوی موسی (ع) در گفتار و ارائه معجزات گوناگون حجت آشکار موسی را نادیده گرفت و در عمل به خودسری و خودخواهی خود افزود و راه دروغ و مغالطه را پیش

خود را در مقابل دریای ژرف و عمیق یافتند؛ لذا وحشت و هراس وجود آنها را فرا گرفت؛ زیرا بیم تعقیب سربازان فرعون را داشتند و از امکان ادامه دادن مسیر نیز ناامید بودند. شدت ناراحتی و هراس از رسیدن سربازان فرعون جان به لب بنی اسرائیل رسانده بود که ناگاه پیشاهنگان لشکر فرعون از دور پدیدار شدند. در این هنگام (یوشع بن نون) گفت: ای حکیم! تدبیرت چیست؟ طوفان حوادث ما را تهدید می کند، دریا در پیشروی ما و دشمن پشت سر ماست، چاره‌ای غیر از مرگ و مفری غیر از هلاک نداریم! (موسی) پاسخ داد: من مامور شده‌ام به دریا بزنم و شاید به زودی دستور دیگری در اجرای آن برسد (جادالمولی (۱۳۸۵): ۱۹۱-۱۹۴). «و به تحقیق به موسی وحی کردیم که بندگان مرا شبانه حرکت ده و (با عصایت به دریا بزن) برای آنها در دریا راهی خشک پدید آور و از تعقیب دشمنان ترس و بیم نداشته باش» (طه/ ۷۷). "... موسی عصا را به دریا زد، خورشید امید بنی اسرائیل از دل شب تار طلوع کرد و ناگهان دوازده راه به تعداد ۱۲ سبط بنی اسرائیل در میان دریا آشکار شد تا هر سبطی از طریقی عبور کند." (همان: ۱۹۶). فرعونیان نیز به دنبال موسی و قوم بنی اسرائیل وارد دریا شدند و زمانی که آخرین فرد از بنی اسرائیل از دریا خارج شد، آخرین فرد از فرعونیان وارد دریا شدند. «پس فرعون با سپاهش آنها را تعقیب کردند و از فروگرفتن دریا رسید به ایشان، آنچه رسید و فرعون قوم خود را گمراه ساخت و هدایت نکرد» (طه/ ۷۸ و ۷۹. در لحظات جان دادن بود که فرعون ایمان آورد و گفت: «اینک من ایمان آوردم و شهادت می‌دهم که معبودی جز خدای بنی اسرائیل نیست و من هم تسلیم فرمان او هستم» (یونس/ ۹۰). بنی اسرائیل با وحشت و نگرانی مرگ این ستمگر کینه‌توز را دیدند. خدا فرعون و لشکریانش را غرق ساخت و بدن فرعون را (از آب) بیرون انداخت تا عبرتی برای مردم آینده باشد. نشانی گویا از قدرت، اعجاز و نعمتی که خدای جهانیان بر بشر جاری ساخته است.

۴-۳-۴- ایجاد وحدت

تلاش برای پرهیز از اختلاف در عقیده و دین، از عوامل زمینه‌ساز برای تربیت دینی به شمار می‌رود. "... و آنچه را بر تو وحی فرستادیم و به ابراهیم و موسی و عیسی سفارش کردیم این بود که همان دین خالص را برپا دارید و در آن تفرقه ایجاد نکنید..." (شوری/ ۱۳۳). با توجه به اینکه قوم بنی اسرائیل دارای اقوام دوازده‌گانه بودند، همواره این خوف وجود داشت که در مسیر حرکت الهی و رسالت الهی در میان آنها شکاف ایجاد شود؛ موسی (ع) قبایل دوازده‌گانه را به رسمیت شناخت و بین آنان وحدت کلمه ایجاد نمود. برای اجرای برنامه واحد باید مدیر واحد وجود داشته باشد. چنین مدیری

گرفت، جایی برای صبر و ادامه برهان باقی نماند؛ لذا خدای تعالی به موسی دستور داد تا به فرعون و قوم او اعلام نماید که به زودی خدا کیفر و جزای آزار بنی اسرائیل را به آنان می‌رساند. چیزی نگذشت که خدای یکتا فرعونیان را با نقص اموال و ثمر اشجار و قلت افراد مواجه ساخت و رود نیل فرو نشست. در ادامه انبوه ملخ‌ها چون سیل بر باقیمانده مزارع آنها جاری شد و پس از آن شپش‌ها بر فرعونیان مسلط شدند و خواب را از چشمشان ربودند، سپس خانه و زندگی آنها را پر از قورباغه ساخت تا جایی که آنها به ظرف‌های غذا و آب و لباس فرعونیان راه یافتند. در ادامه از بینی آنان خون جاری گشت و خدا اموالشان را تباه و نابود ساخته تا کیفر خطا و کفرشان را بدهند (اعراف/ ۱۳۰). این مجازات‌ها منجر به تحول روحی و ایجاد شکاف میان اقشار مختلف شد. قبطیان شاهد تزلزل دستگاه حاکمیت بودند و کم‌کم امید و اعتماد خود را به تأمین امنیت و دریافت خدمات از جانب حکومت از دست داده و مأیوس شدند. این امر برایشان به مثابه بلای عظیمی بود که هم تأمین غذایی و هم تأمین امنیت را هدف قرار داده بود؛ آنگاه که دیگر چاره و امیدی برایشان باقی نمانده بود، دست به دامان موسی (ع) می‌شدند و تقاضای رفع بلا و تأمین امنیت جانی، غذایی می‌کردند. خداوند برای اتمام حجت بلا را از آنان دور ساخت تا شاید راه رستگاری پیش گیرند و با قبول حکمت و برهان روشن به راه راست هدایت کردند و از کفر رو گردانند. و (در هر بار) «وقتی که عذاب بر آنها فرود می‌آمد، می‌گفتند: ای موسی پروردگارت را به خاطر پیمانی که با تو دارد برای ما بخوان، که اگر این عذاب را از ما برطرف کنی، حتماً به تو ایمان می‌آوریم و بنی اسرائیل را با تو می‌فرستیم. اما هنگامی که بلا را، پس از مهلت معینی که به آن می‌رسیدند، از آنها برمی‌داشتیم، پیمان خود را می‌شکستند» (اعراف/ ۱۳۴ و ۱۳۵).

۴-۳-۳- دور کردن بنی اسرائیل از سرزمین کفر

موسی که امیدی به تغییر اوضاع به نفع مستضعفین نداشت، از فرعون خواست که بنی اسرائیل را همراه او بفرستد تا از عذاب او نجات یابند. (موسی (ع) گفت): «سزاوار است که درباره‌ی خداوند جز سخن حق نگویم (و نسبت ندهم)، همانا من از سوی پروردگارتان برای شما دلیلی روشن (معجزه‌ای) آورده‌ام، پس بنی اسرائیل را همراه من بفرست» (اعراف/ ۱۰۵). از سوی دیگر با شکوفایی ایمان در بنی اسرائیل، آیات حق در برابر آنها مانند روز روشن شد و در حمایت موسی و بدون توجه به تهدید فرعون، آماده هجرت و خروج از مصر شدند. تا اینکه سرزمین خشک مصر را پشت سر گذاشتند و ناگهان

باید تمام فعالیت‌هایی را که دارای هدف یگانه است با هم هماهنگ و رهبری کند (رضائیان، ۱۳۹۳: ۱۵). بدون تردید نقش رهبری الهی، اندیشه ورز و با اقتدار، در بصیرت‌دهی و تبدیل امیال و اهداف جامعه به میل و هدفی واحد، از ضروریات و مسلمات است.

قانون و تمدن‌های بشری قادر بر حل اختلاف نیستند، زیرا هر گروه و فردی به دنبال خواست‌های خود است. حل اختلافات باید از طریق قانون الهی و داوری انبیا صورت گیرد؛ قانونی که مصون از تحریف و خطا است و داوری که از هوی و هوس و اغراض نفسانی معصوم است (قرائتی، ۱۳۸۷، ج ۱: ۳۲۶). وقتی موسی (ع) هنگام میقات، هارون را به اذن الهی جانشین خود قرار داد، تأکیدش بر وحدت بود و چون مطلع گشت که در غیاب او مردم از راه مستقیم منحرف گشته‌اند، با قاطعیت با این خط انحرافی مقابله نمود (قرائتی، ۱۳۸۷: ۷ و ۳۸۲ و ۳۸۳).

۴-۳-۵- انتصاب مدیر در غیاب خود

موسی (ع) بعد از رها نمودن بنی‌اسرائیل از طاغوت فرعون مصر، باید به منظور عبادت و دریافت الواح تورات و تشکیل نظام توحیدی به میعادگاه (کوه طور) رهسپار می‌شد (اعراف/۱۴۲). از آیات قرآن استفاده می‌شود که در این وعده، سه مسئله موردنظر بوده است: گرفتن تورات، اثبات مقام خلافت برای هارون، آزمایش بنی‌اسرائیل (قرائتی، ۱۳۸۷، ج ۱: ۱۱۲) لذا قبل از حرکت به سمت میعادگاه حضرت موسی (ع) برادر خویش هارون را جانشین خود قرار داد و سفارشات لازم به مبارزه با فساد و فتنه و صلاح و سداد و اصلاح و وحدت امت را به او نمود. جانشینی هارون (ع) به جای موسی (ع) در زمان میقات، نشانگر ولایت ایشان بر بنی‌اسرائیل و اختیار نصب خلیفه است که یک اختیار حاکمیتی تلقی می‌شود. (ساغری‌زاده، لطفی، ۱۳۹۹: ۵۷).

واژه «أصلح» در آیه ۱۴۲ سوره اعراف بیانگر بعد حاکمیتی و مدیریتی است که به هارون (ع) تفویض شده و از او خواسته تا امور جامعه را در غیبت موسی (ع) اصلاح کند، شاهد مطلب هم، بازخواست موسی (ع) از جانشین خود پس از بازگشت از میقات است (طیب، ۱۳۹۹، ج ۵: ۴۴۹).

۵. نتیجه‌گیری

مدیریت قوم بنی‌اسرائیل توسط موسی (ع) علاوه بر علم، بر خصوصیات فردی نیز استوار است. بخشی از این خصوصیات اکتسابی و بخشی دیگر موهبتی است که یا از بدو خلقت و یا در طول حیات به ایشان

اعطا شده است. از جمله خصوصیتی که خداوند به انبیا موهبت نموده استعداد مدیریت است. این بدان معنا نیست که همه ویژگی‌های مورد نیاز برای مدیریت در انبیا از بدو آفرینش به فعلیت رسیده است، بلکه به صورت بالقوه در ایشان وجود دارد. هنر انبیا این است که استعدادهای خویش را به فعلیت رسانده‌اند. شکوفایی این استعدادها صرفاً در بستر اندیشه و سبک زندگی توحیدی امکان‌پذیر است. از سویی، خداوند برای اداره جامعه الگوی کاملی ارائه نموده است که تبعیت از پیشوای الهی از ارکان اصلی آن است. کامیابی‌های جامعه محصول تبعیت از حاکم الهی و ناکامی‌های آن نیز حاصل عدم اطاعت از او است. در حقیقت اداره جامعه توسط پیشوای الهی در حوزه تشریع، تجلی ولایت تکوینی الهی بر انسان‌ها است. همچنین جامعه نمی‌تواند از پیشوای الهی خالی بماند. در غیاب ولی خدا حتماً جانشینی برای او تعیین می‌شود که همه وظایف او را انجام می‌دهد و اطاعت از او بر آحاد مؤمنین واجب است. و نافرمانی از حکم امام جامعه در صورتی که از روی جهل صورت پذیرد با استغفار حقیقی بخشیده می‌شود، ولی اگر آگاهانه باشد با تنبیه مواجه خواهد شد. این تنبیه ممکن است بی‌واسطه از سوی خداوند، یا توسط حاکم الهی صورت گیرد. تشویق‌ها و تنبیه‌ها در جامعه دینی متناسب با رفتار افراد و گروه‌ها است. علاوه بر نتیجه ظاهری که هر عمل به دنبال دارد، انگیزه عمل نیز در تعیین نوع و میزان پاداش و مجازات افراد جامعه مؤثر است.

منابع

- قرآن کریم. ترجمه ناصر مکارم شیرازی (۱۳۸۸)، تهران: هلیا.
- ابن‌بابویه، محمد بن علی، (۱۳۸۰) علل الشرایع، جلد ۱، محمد جواد ذهنی تهرانی، قم: مؤمنین، چ دوازدهم.
- بقلی شیرازی، روز بهان بن ابی‌نصیر (۲۰۰۸)، عرائس البیان فی حقائق القرآن، بیروت: دار الکتب العلمیه.
- بهبودی، محمد باقر (۱۳۷۸)، تدبیری در قرآن، جلد ۱ تهران: انتشارات سنا.
- جاد المولی، محمد احمد، (۱۳۸۵)، قصه های قرآن، یا تاریخ انبیاء، (ترجمه مصطفی زمانی)، قم: پژوهاک اندیشه، چاپ نهم.
- خمینی، روح الله، (۱۳۸۲)، شرح حدیث جنود عقل و جهل، قم: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (ره)، چاپ ۷.
- دشتی، محمد (۱۳۹۰)، فرهنگ سخنان پیامبران الهی، قم: مؤسسه فرهنگی تحقیقاتی امیر المؤمنین.
- دیباچی، محمد علی (۱۳۸۷)، پیامبران دولتمرد، تهران: مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی.
- رضائیان، علی (۱۳۹۳)، اصول مدیریت، تهران: سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاه‌ها (سمت).

کریمی‌نیا، محمد مهدی؛ خرمیان، مرضیه؛ انصاری مقدم، مجتبی، (۱۴۰۰)، بررسی روش مبارزه حضرت موسی(ع) با ترفندهای فریبنده فرعون از منظر قرآن کریم، فصلنامه مطالعات و تحقیقات در علوم رفتاری، سال سوم، شماره ۸، ص ۱۶۵-۱۴۸ .

مجلسی، محمد باقر، (۱۳۷۲)، بحارالانوار، تهران: انتشارات اسلامی، چاپ سوم.

مرتضوی، فاطمه السادات و غروی، سیده سعیده (۱۳۹۹)، بنی اسرائیل وسنت الهی کیفر تحلیل گفتمان انتقادی یک داستان قرآنی، تحقیقات علوم و قرآن و حدیث، سال ۱۷، ش ۴۶، ص ۲۰۳-۱۶۷.

مستوفی، حمد الله، (۱۳۶۴)، تاریخ گزیده، تهران: مؤسسه انتشارات امیر کبیر.

مصطفوی، حسن، (۱۳۷۵)، الحقایق فی تاریخ الاسلام و الفتن و الاحداث، تهران: مرکز نشر کتاب.

وفادار، مریم، خالقی ولامدهی، مرضیه(۱۳۹۵)، پژوهشی در سیره تبلیغی حضرت موسی (ع) در قرآن، مشهد: انتشارات صدو ده.

یزدانی، حسین علی، (۱۳۶۷)، درس مبارزه از قیام حضرت موسی (علیه السلام)، قم: جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، دفتر انتشارات اسلامی.

ساغری زاده ، مهدی و لطفی، علی (۱۳۹۹)، تبیین مؤلفه‌های تمدن ساز در شخصیت حضرت موسی (ع) در قرآن کریم، فرهنگ و تمدن قرآن، پیاپی ۲، شماره دوم، ص ۶۶-۴۳.

شوقار، ابراهیم،(۲۰۰۲)، منهج القرآن فی تقرير حربه الرای و دوره فی تحقیق الوحده الفكریه بین المسلمین، بیروت-دمشق: دارالفکر.

شیخ طوسی، ابو جعفر محمد بن حسن بن علی،(۳۸۵-۴۶۰ق)، مصباح المتهجد و سلاح المتعبد، بیروت: مؤسسه فقه الشیعه، ۱۴۱۱ق.

صباغیان، علی؛ رئیس‌یان، غلامرضا؛ پیروزفر، سهیلا (۱۴۰۰)، نمودهای تحقق امنیت اجتماعی با تکیه بر داستان حضرت موسی (ع) و فرعون در قرآن و حدیث، دوره ۱۸ شماره ۱۵ پیاپی ۴۹، ص ۱۷۱-۲۰۲.

طباطبایی، محمدحسین،(۱۳۶۳)، المیزان فی تفسیرالقرآن، جلد ۳، (ترجمه محمد باقر موسوی همدانی)، تهران: انتشارات محمدی.

طبرسی، فضل بن حسن (۱۳۷۲) مجمع البیان فی القرآن، جلد ۷، ۶، ۵، تهران: ناصرخسرو.

طیب، عبد الحسین(۱۳۹۹)، اُطیب البیان فی تفسیر القرآن، جلد ۱-۱۴، چاپ دوم، تهران: اسلام.

عباسی مقدم، مصطفی(۱۳۸۶) اسوه‌های قرآنی و شیوه تبلیغی آنان، چاپ سوم، قم: مؤسسه بوستان کتاب، چاپ سوم.

قرشی، علی اکبر(۱۳۷۱)، قاموس قرآن، تهران: دارالکتب الاسلامیه . جلد ششم.

References

Holy Quran. (2009). (Translated by Nasser Makarem Shirazi),Tehran: Helia. (In Persian)

. (In Persian)

Abbasi Moghadam, Mustafa. (2007). Qur'anic interpretations, their method of preaching, third edition, Qom: Bostan Institute, book, 3 th edition. (In Persian)

Amiri, Mohammad. (2020). Prophet Moses' strategic plan to fight Pharaoh and save the Israelites from the perspective of the Qur'an, two quarterly specialized journals of Islamic education and management, 6(11): 63-92. (In Persian)

Bagheri,Misbah Al-Hoda & Kazemi Najaf Abadi, Mohammad Reza. (2013). Explaining the leadership model of the Bani Israel by the hand of Hazrat Musa, Qur'anic research, Andisheh of strategic management Journal, 7(2): 157-188. (In Persian)

Baghli Shirazi, Rooz Bahan ben Abi Nasir, Arais . (2008). AraesolBayan, in the facts of the Qur'an, Beirut:Darol-Kotob alelmiyeh. (In Persian)

Behboodi,Mohammad Bagher .(1999). A thought in the Qur'an, Volume 1, Tehran: Sena Publications. (In Persian)

Dashti, Mohammad.(2011). Farhang of the words of the divine prophets, Qom: Amir al-Mu'minin Cultural Research Institute. (In Persian)

Dibaji, Mohammad Ali.(2008). Prophets of the State, Tehran: Research Center of the Islamic Council. (In Persian)

Hashemnejad, Hossein., Gulmohammadi ,Jafar ., & Alimoradi, Zahra. (2022). Moses' method in the psychological management of the children of Israel's and Pharaoh's adaptations to the SS, the concept of psychological defense, Kitab Qaim Journal, 12(26): 109-132. (In Persian)

Ibn Baboyeh, Muhammad ebn Ali, . (2001). Ellalol alsharaye, Volume 1, (Translated by Mohammad Javad Mendi Tehrani), Qom: Momenin , 12 th edition. (In Persian)

Jad Al-Mouli, Muhammad Ahmad. (2008).The stories of the Qur'an or the history of the Prophets, (Translated by Mustafa Zamani), Qom: Pajhwok Andisheh, 9 th edition. (In Persian)

Kariminia, Mohammad Mahdi., Khormian, Marzieh., & Ansari Moghadam, Mojtabi. (2021). Studying the method of Prophet Moses' fight with Pharaoh's deceptive tricks from the perspective of the Holy Qur'an, Quarterly Journal of Studies and Research in Behavioral Sciences, 3(8): 165, 148. (In Persian)

Khomeini, Ruhollah. (2003). Description of the story of the confrontation of wisdom and ignorance, Qom: Institute for Editing and

- Publishing the Works of Imam Khomeini, 7th edition. (In Persian)
- Majlesi, Mohammad Baqer. (1993). Bihar Al-Anwar, Tehran: Islamic Publications, 3 th edition
- Mortazavi, Fatemeh Al-Sadat ., & Gharavi ,Seyida Saeeda . (2020).Bani Israel and Sunnah Elahi Kifar Critical Discourse Analysis of a Qur'anic Story, Science and Qur'an and Hadith Research , 17 (46): 167-203. (In Persian)
- Motahari, Morteza. (1998). A review of of prophetic behavior, Sadra Publications. (In Persian)
- Mustafa Hasan (1996). Al-Haqayq Fi Tarikh al-Islam wa Al-Fatn and Al-Ahadar ,Tehran : Book Publishing Center. (In Persian)
- Mustofi ,Hamdullah. (1985). Selected history , Tehran::Amir Kabir . (In Persian)
- Nejat Bakhsh Esfahani , Ali. (2020).The crisis management model of Hazrat Moses, peace be upon him, in the verses of the Holy Quran, Scientific Journal of Islamic Civilization and Religious Studies, 2(5): 34-55. (In Persian)
- Qaraati, Mohsen. (2008). Tafsir Noor, Volume 6, Tehran: Cultural Center, Lessons from the Qur'an.
- Qureshi, Ali Akbar. (1992). Quran Dictionary,Tehran: Darul Kitab al-Islamiya, Volume 6. (In Persian)
- Rezaian, Ali. (2014). Principles of Management , Tehran: Organization for Studying and Compiling Humanities Books of Universities (SAMT). (In Persian)
- Sabbaghian, Ali., Raisian, Gholamreza.,& Pirouzfard , Soheila .(2021).Manifestations of the realization of social security based on the story of Prophet Moses and Pharaoh in the Qur'an and Hadith, Researches of Qur'anic and Hadith sciences Journal, 18(1): 171-202. (In Persian)
- Saghrizadeh, Mehdi & Lotfi, Ali(2020). Explanation of the civilizing components in the character of Prophet Moses in the Holy Qur'an, Culture and Civilization of the Qur'an Journal, 2(2) :43-66. (In Persian)
- Shaghar, Ebrahim. (2002). Manhaj al-Qur'an in the interpretation of Harba al-Rai and the course in the research of al-Wahda al-Fiqriyyah between the Muslims, Beirut: Damascus, Dar al-Fikr.. (In Persian)
- Sheikh Tusi, Abu Jafar Muhammad bin Hasan bin Ali.(995-1067). Misbah al-Mutahjad and Selah al-Mutabbad, Beirut: Institute of Shia Jurisprudence 1411 AH. (In Persian).
- Tabarsi, Fazl ben Hasan (1993). Majma al Bayan Fi Qur'an, volume 5-7, Tehran: Nasser Khosro.. (In Persian)
- Tabatabaei, Mohammad Hossein. (1984). Al-Mizan fi Tafsir al-Qur'an volume 31, (Translated by Mohammad Bagher Mousavi Hamdani),Tehran: Mohammadi .(In Persian)
- Tayyab, Abd Hossein.(2020). Atyib al-Bayan fi Tafsir al-Qur'an, volume 1- 14, second edition ,Tehran: Islam. (In Persian)
- Vafadar, Maryam., & Khaleghi Lamdehi ,Marzieh(2016).A research on Prophet Musa's prophetic biography in the Qur'an, Mashhad: Sadou Deh .(In Persian)
- Yazdani, Hossein Ali. (1988).The lesson of struggle from the uprising of Hazrat Musa,Qom::The seminary community of Qom seminary, Islamic publishing office. (In Persian)